



Ketabton.com

دفتر شورای ثقاتی جهاد افغانستان

دفتر شورای ثقا فتي جهاد افغانستان

- این نشریه توسط اعضای شورای ثقا فتي جهاد -

افغانستان تهیه و نوشته شده است .

- تعداد چاپ ۱۰۰۰ نسخه

- چاپ اول **چاپ اول**

- شماره ۶ عمومی ۲۷

- شماره ۶ خصوصی ۶ (رویدادها)

- تاریخ چاپ سرطان ۱۳۶۴ بمناسبت شصمین سالگرد

قیام چندان اول **قیام چندان اول**

- حق چاپ و نشر محفوظ به این شوری است

- قیمت یک جلد ۲ کله دار

نمیتواند چاپ شود

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قیام چنپ اول



توام با وقوع کودتای ۲ ثور ۱۳۵۷ که توسط روسها براه
انداخته شد در امور و اوضاع کشور دو واقعیت عمده
پدیدار گردید :

- (۱) پیروی دولت دست نشانده از اصول کمونیستی
که در نهاد خود ضد دین و بالخاصه اسلام است .
- (۲) عدم کفایت دست اندر کاران این رژیم
در اجرای امور کشور .

همینکه کمونیست های دست نشانده روسیه زمام
امور افغانستان را بدست گرفتند در سراسر کشور کسانی
را بر اساس امور اداره قرار دادند که علناً و قصداً به
توهین و باهمال ساختن اساسات و مقررات دین میهن

اسلام پرداختند ، از طرفی هم چون این اشخاص فاقد تعلیمات اساسی ، معلومات کافی و تجربه در امور اداره بودند ، آهسته^۱ امور را بصوی هرج و مرج و بیسی لجامی میکشاندند .

چنانچه بېړك كارمل خود در این مورد گفت :
" در سطوح مختلف اداره^۲ کشور آن تعداد اشخاص ماهر در اداره و صاحب تخصص که بتوانند صمیمیت شان را بسبب انقلاب با سمبهارت های حرفوی و تیوریك مزج نمایند وجود نداشت ."

مسکو که نقش رهبری کودتای ۷ ثور را بعهده داشت بدون شك میدانست که کمونست های افغانستان استعداد و لیاقت امورا اداره^۳ کشور را ندارند و بنا بر این یقین داشت پلان^۴ آرمینی بر مداخله^۵ مزید در تمام ساحات امور کشور میسر میباشد . همین بود که در ظرف سه ماه بعد از کودتا تعداد مشاورین نظامی روسی از ۳۵۰ تن به ۷۰۰ تن ارتقا^۶ یافت . همچنین تعداد کثیری از " متخصصین " ملکی شوروی که بیش از کودتا در پروژه های مختلف در سراسر افغانستان کار میکردند بکابل

(۲)

احضار گردیدند تا به کمونستهای محلی طرق تدویر امور را در وزارت‌ها به‌آموزانند و حتی خود ایشان امور وزارت‌ها را به‌عهده گیرند. چنانچه در همین وقت کمونست‌های داخلی می‌گفتند در سفارت روسیه تشکیلات جداگانه برای اداره امور افغانستان بصورت يك کابینه منظم بمیان آمده بود و هريك از اعضای این " کابینه " امور يك یا چند وزارت خانه و سائر موسسات دولتی را پیش می‌بردند.

نظریه تشابهات لسانی در اول تاجیک‌های شوروی و غیره کسانی که بزبان‌های افغانستان حرف می‌زدند به نام مشاورین بداخل ارگان‌های دولتی جا داده شدند ولی از آنجائیکه روسها در نهاد باین مردمان که اصل‌شان مسلمان بود اعتماد نمی‌کردند، با التدریج ایشان را بایاروسهای اصیل عوض کردند.

وسائل عمده ناکامی کمونست‌ها حتی در مراحل اول دوره حکمرانی‌شان را میتوان در مواد ذیل خلاصه کرد :

۱- با وجود ابلاغیه های مکرر شان که اساسات دین اسلام را برکثور احترام خواهند کرد برعمل هر حرکت عمده^{*} شان مناقض این اساسات واقع گردید^{*}

۲- اتکای عام و تام کمونستها برکمک های مالی و —
مذکوروی روسیه^{*}

۳- ایشان از عنعنات و واقعیت های زندگی مردم افغانستان مخصوصاً^{*} روستائیان فهم درستی نداشتند^{*}

۴- کمونست های داخلی از پروگرام دقیق وپلان شده^{*} روسها درمورد اجرای امور افغانستان اطلاعی نداشتند^{*}

۵- فساد درمیان کدر حزبی درمدت کوتاهی با وج هود رسید^{*}

امضای آنچی بنام معاهده دوستی میان رژیم دست نشانده و روسیه در دسمبر ۱۹۷۸ بعمل آمد^{*} علناً ثابت ساخت که کمونست های داخلی از خود صلاحیتی برای پیشبرد امور کشور ندارند^{*} این رویداد های اسف انگیز دست بدست هم داده و سبب گردید تا از طرف علمای افغانستان در
(۴)

سراسر کشور فتوای جهاد صادر گردید . با ثرایان فتوی بود که مردم افغانستان بقیام های مسلحانه علیه رژیم ، دست نشانده کابل متوسل شدند . اگر چه در نقاط مختلف کشور و مخصوصاً در نورستان ولایت کنړه ، بدخشان و نوره ، صوف ولایت سمنگان حتی در تابستان همین سالیکه رژیم کمونیسم در افغانستان روی کار آمد قیام هائی علیه آن صورت گرفت ، ولی قیام هرات بتاریخ ۲۴ آخوت همین سال يك چرخش عظیم تاریخی را در پلان تهاجم روسیه بر افغانستان بمیان آورد .

چنانچه ۹ ماه بعد از آن (۶ جدی ۱۳۵۸) روسها بگونه علنی وبا سلاح مدرن مستقیماً برخاک افغانستان تجاوز بعمل آوردند . حکومت کابل بعوض اینکه از این قیام به تائید های خود در برابر مردم افغانستان تجدید نظر کند واقعه هرات را بحیث انگیزه برای پیروی از سیاست های مخاصمانه تر و وحشیانه تری علیه مردم مسلمان کشور بکار برد . و صرف ۶ روز بعد از این قیام حفیظ اللہ امین که ممثل وحشت و اختناق این رژیم بود به قدرت بیشتری نائل گردید و بحیث صدراعظم تبارز

یافت .

واقعۀ چند اول و دیگر واقعات مماثل آنرا باید در پس منظر حقایقی بیان کرد که در فوق شرحه ای از آن بطور فشرده تقدیم گردید . پیش از قیام چنداول نیز مسلمانان شهر کابل تحت رهنمایی یکعده تنظیم ها و شخصیتهای اسلامی دست به فعالیتهائی زدند که هدف آن از پا در آوردن نظام کفر و الحاد بود . یکی از برادرانیکه در این فعالیتها و قیام چند اول دست داشت شرح این واقعات را به ترتیب ذیل بیان کرده است :

مسلمانان کابل بار اول روز ۲۶ حوت ۱۳۵۲ را به حیث " روز عملیات " علیه رژیم کمونیسم در کابل تعیین کردند .

او میگوید : برادران نظامی مابسیوه های مختلف از خوردضابطان و افراد عسکری گرفته تا بسیوه دگروال با این قیام ارتباط داشتند . بلان سرتاسری طوری طرح ریزی شده بود که اولاً بتاریخ معینه صاحب منصبان مسلمان ارتباطی عناصر ضد اسلام را برداشته

(۶)

قطعات خود دستگیر نموده و از بین ببرند و بعدا جانب
شهر حرکت نمایند تا با مردم در قیام سرتاسری همکاری
ورزند و بدینگونه حکومت ملحد را سرنگون سازند. برای
به ثمر رساندن درست این قیام اسلامی مناطق شهر کابل
در بین چهارادرا ن تقسیم شده بود . و قرار بر این شد
که برادران موظف بساعت ۱۰ صبح همان روز بمناطق
معین حاضر شده و همزمان با آغاز پلان توسط برادران
نظامی عملیات در تمام شهر کابل آغاز گردد .

او میگوید : شب قبل را در خانه یکی از مسلمانان
مبارز صبری نموده و در آن جا قرآن مجید را ختم کردیم
فردا صبح بعد از مراسم دعا ، عازم محل ماموریتها ی
خود شدیم . اما یکی از صاحبمنصبان مسلمان ما را
مانع شد زیرا این پلان عملیاتی افشاء شده بود و —
دولت در حدود ۵۰۰ نفر از برادران عسکری ما را در —
قطعات شان همان روز دستگیر کرد .

او میگوید با وجود نا کامی این پلان
ما به طرح پلان دیگری

اقدام کردیم تا به اساسان در حداقل جشن کمونستان
را در ۲۰ ثور مختل سازیم ولی با تاسف صاحب منصب
ارتباطی ما دستگیر شد .

با تحمل این همه مشکلات و افشاء شدن های پیاپی بلان
های عملیاتی باز هم برادران مسلمان آرام ننشستند .
بر این وقت آن ها بایکی از برادران مبارز بنام قاضی
غلام سخی قرغزی که خود بنام جمعیت دفاع از اسلام عده
از برادران مسلمان را بدور خود جمع کرده بود
تماس قایم کردند . شهید قاضی قرغزی در زمینه
سازمان های فعالیت خوبی نموده بود او با ولایات
نیز ارتباط قایم کرده بود و صاحب تشکیلات مطمئن بود .
او و همکاران او طرح بلان وسیع نظامی را علیه
حکومت کفر و الحاد ریخته و یک شورای انقلابی راهم
بعیان آورده بودند . اما یکی از اعضای شوراکه
از عمال دولت دست نشانده بود ، تمام جریان را به
دولت اطلاع میدهد و قاضی موصوف را با تمام افراد
ارتباطی عسکری در روز معینه دستگیر میکنند .

بار دیگر بایکدیگر برادران دیگر تماس قایم کردیم .
که از آنجمله یکی هم مولوی شفیع اله بود . (۱)
در این مقدمه برادران جمعیت اسلامی افغانستان
و حرکت انقلاب اسلامی نیز شامل بودند . برای آگاه
ساختن برادران به اینکه عملیات خود را آغاز کنند
میبایست يك اعلان مفقودی از طریق رادیو نشر میشد
و این کار صورت هم گرفت و همزمان با آن عملیات در -
لوگر و ده سبز آغاز یافته این قیام های پیاپی هر
کدام برای بیدار گردانیدن مردم اثرات مفیدی بجا
گذاشت . با طرح پلانهای متعدد و خنثی شدن آنها
توسط دولت و مسلمانان ب فکر عملیات وسیعتر و
سازماندهی درست تری شدند تا بتوانند به موفقیت
چشم گیری نائل گردند و این پلان همانا قیام چندا ول
بود .

در پلان قیام چند اول برادران حزب اسلامی

(۱) قوماندان مولوی شفیع الله در اوائل امسال در
کوه صافی به شهادت رسید .

جمعیت اسلامی ، حرکت انقلاب اسلامی و حرکت اسلامی -
هم اشتراك داشتند . روز عملیات ۲ سرطان ۱۳۵۸ تعیین
و قرار برین شد تا این عملیات با انفجارهای متعددی
در يك زمان در تمام نقاط شهر كابل آغاز گردد . این
بمهای ساعتی را عمرجان شهید ساخته بود (۱) .

بیانیه که بعد از پیروزی از رادیو پخش میشد
نیز ثبت شده بود . اما یکی از آنها که قرار بود به
ساعت ۱۰ صبح منفجر شود در منطقه " در نزدك پل باغ
عمومی پیش از وقت منفجر شد در اثر آن سراسیمگی
و هشت در منطقه مستولی گردید خلقها بهر طرف گریزان
شدند . دولت تمام راه های مهم را در نقاط شهر مسدود
ساخت .

قسمت بعدی این واقعه را مجاهدین دیگر این طور
بیان میکنند در حالیکه این قیام یک حرکت منحصر و
به چند اول نبوده و هدف آن از پادراختن رژیم

(۱) عمرجان شهید در واقعه چنداول هم با رزی داشت و در
همین قیام بشهادت رسید .
(۱۶)

کمونیسم در کشور بود مجاهدین حمله بر ما موریت پولیس
چند اول را بحیث مهره مهمی در پیشبرد امور مربوط
به این قیام میپنداشتند .

یکروز بهش از آغاز این قیام گریانند گان آن
مطلع شدند که عمال رژیم کمونیسم در فوق ایستادن رخه
وارد کرده و اسرار پلان شان را بحکومت افشا کرده اند
و بنا بران بمعموم شبکه های خود امر صادر کردند تا
از تطبیق پلان مربوط به آغاز قیام خود داری و درزند
ولی ایشان نتوانستند این هدایت را به گروهی صادر -
کنند که موظف به آغاز قیام در ناحیه چند اوله بودند
عصی که موظف به انجام حمله بر ما موریت پولیس
چند اول بود میگوید :

مجاهدین مطابق به پروگرام درست بساعت ۱۰ صبح
روز شنبه ۲ سرطان ۱۳۵۸ بر ما موریت پولیس چند اول -
حمله بردند ، در داخل دروازه ما موریت چهار نفر پولیس
مسلح با کلاشینکوف بسته بودند یکی از مجاهدین
تفنگچه اش را بالای سینه یکی از پولیس ها گذاشته
به او گفت :



" ما مسلمان هستیم تسلیم شو! " او و بیست و هشت
همراهانش بلا درنگ دست‌هایشان را بالا کردند و بیک
مجاهد دیگر این چهار پولیس را خلع سلاح کرد. در این
وقت مجاهدین دیگر رسیدند و نعره "الله اکبر" بلند شد
کسانی که با کلایف کوف‌های غنیمت مسلح بودند در —
داخل ماموریت پولیس شروع به باستانی کردند و —
دیگران داخل ماموریت شدند. در داخل ماموریت تمام
پولیسها فی الفور تسلیم شدند صرف یک ضابط خلقی
از تسلیم عدن ابا* ورزید که بجای عمل خود رسید.
پس خود پولیس‌های ماموریت بمبوی اسلحه را بساز
کردند و از آن جا ۲۰۰ میل سلاح مرکب از ماغیندار —
کلایف کوف و تفنگ ۳۰۷ بدست مجاهدین افتاد که آن را
میان خود تقسیم کرده و بجاهات که بر ایشان دستور
داده شده بود اخذ نمودند.

اجتماع مردم نیز در این وقت در اطراف ماموریت
پولیس خیلی زیاد شد. مردم شعار میدادند " مرگ
بر تره کی " " مرگ بر روسیه " زنده باد اسلام "

و این شعارها که با نعره های کفر ستیز الله اکبر
توأم بود شهر کابل را بلرزه در آورده بود .

يك شاهد عینی دیگر میگوید : " تانکهای
غولپیکر با توپهای ثقیل اطراف برادران مجاهد
را محاصره کرده بود کمونتها به انداختن توپ
توپ و هتکه شروع نمودند و موترهای گزیه با تانک
های محاربوی بحرکت در آمده بیرحمانه به کشتار شروع
نمودند . کمونتها بر هر کسی فیر میکردند از پل ارتسل
تا پل محمود خان و بل باغ عمومی تحت محاصره قوای
دولتی قرار گرفت و مرحوم عمر شهید با يك تعداد هم
قطارانش به شهادت رسیدند . در مقابل مغازه قساری
امان نسوانی در نا در پشتون وات دشمنان در موترهای
سر باز و تانکهای محاربوی در میان مردم که اکثر برای
بسیا انتظار داشتند فیر نمودند ، و در قسمت های مختلف
شهر به تلاشی موترها و مردم شروع کردند ، يك تعداد زیاد
مردم را بدون استناد به موترها انداخته به جاهای
نامعلومی بردند . "

در خود چند اول اوضاع وخیم تر شده میرفت. حکومت
کابل با تعدادی از تانکها و عساکر پیاده اطراف ماموریت
پولیس آنجا را محاصره کرد و در آغاز اوضاع را از دور
نظاره میکرد. بعد تانکها نزدیک شده شروع به
مقابله کردند. مجاهدین راه اسلام با شهادت تمام
به مقابله دوام دادند. بالاخره حکومت دست
نشانده قوه تازه نفسی را پیاده کرد که مسلح
با هاوان ها بود که با آنها ماموریت را تخریب کردند
و مجاهدین مجبور به عقب نشینی شدند. در یک طرف
ماموریت تانکهای مستقر بودند که در حقیقت مطابق
به پلان اول میباشد. نیست با مجاهدین همکاری میکردند.
سر نشیان همین تانکها به مجاهدین موقع
دادند از منطقه بدور شوند.

حکومت طی ابلاغیه که بتاريخ ۲ سرطان از رادیو
کابل و ۳ سرطان نرجراید نشر کرد قیام چند اول را
یک حادثه کوچک و محلی خواند که بقول آن رادیو
از طرف "رهبران متعصب ایران و عناصر خائن وطن"
براه انداخته شده بود. اعلامیه حکومت کابل انعا

کرد که شاملان حادثه بهمکاری خود شهریان کابل از طرق
 قوای امنیتی از بین برده شدند. ولی قدر مسلم این بود
 که در همان روز حکومت لا اقل سه صد نفر را بقتل رساند.
 چنانچه دیده میشود قیام چنداول به هیچ صورت
 يك واقعه محلی تا رویدادی نبود که از طرف يك گروه -
 خاص پی ریزی گرییده باشد. ولی حکومت تفرقه انداز
 کمونستی از آن بحیث يك بهانه برای قتل عام هزاران
 فرد جوان هزاره کشور کار گرفت. این حکومت یکتعداد از
 جاسوسان اداره استخبارات خود را که در آن وقت "اکما"
 یا میشدوا امروز آنرا خادمی گویند، بسر کرده گی عبدالستار
 که از اهل موسی قلعه بود موظف گردانید تا جوانان هزاره
 را دعوت کند که بحیث مزدکار در برابر ۲۰۰۰ افغانی اجوره
 در هر روز در پروژه های تعمیراتی بلچرخی تر موتراهای لاری
 نشسته بمحل کار بروند. در يك روز این مردم خون آشام ۲ -
 الی ۳ هزار برابر جوان هزاره و دیگر برادران ما را به
 این بهانه تر لاری ها گرد آورده آنها را بسوی کشتارگاه
 بلچرخی بردند و بقتل رسانیدند.

شرح واقعه بقسم یکی از جوانان مبارزی که خود در قیام چند اول ششم گرفتار بود.

« از روزها قبل چشم براه آنروز بودیم سحرگاه ۲ سرطان
سال ۱۳۵۸ تازه از خواب بستر خاسته بودم که
زنگ درب خانه بمدا درآمد و کسی بسراغ من آمده بود
او یکی از دوستان نزدیک من و از کسانی بود که در کابل
در فعالیت‌های ضد کمونستی سعی با رز و با جبهات بیرون
از کابل ارتباط مستقیم داشت. برایم مژده داد که
روز عمل رسیده است و ساعت ۹ صبح باید در جاده می‌روند
حاضر باشم. از خوشی در لباس‌های نیمه‌گنجیدم فکر می
کردم پر نشاط‌ترین لحظات زندگی‌ام فرا رسیده باشد
فورا غسل کردم و بدون آنکه حرکت غیر عادی از من سر
بزنند جای را با اعضای خانواده خود خوردم و از خانه
بیرون شدم وقت تراز ساعت تعیین شده بمحل موعود
رسیدم. برادران را دیدم و با هم به رستورانی که
متصل ماموریت پولیس چند اول بود بالا آمدیم. جای

فرمایش دادیم ومنتظر فرماندهی نشستیم . تازه جای
رسیده بود که یکی از همزمان از باین امد و با
اشاره ای ما را فهماند تا از رستوران بیرون شویم .
پول جای ها را پرداختیم و با وجود تعجب هوتلی چای
نخورده با شور و شتابی زاید الوصف از رستوران بیرون
شدیم . ما با چهار بوتل مولوتوف کوکتیل (بمب بطرولی)
مسلح بودیم . این بم ها را در يك استعمال گل اناری
پیچیده بودیم و من آن را در دست داشتم . دسته
جمعی با نعره " الله اكبر " با ما موریت بالا شدیم و با
استقبال برادران پولیس روبرو شدیم . شعارها و
عکس های ترکی را از دیوارها کنندیم . درین میان
برادران با احساس ما موریت پولیس با شور اسلامی سلاح
کوت را بروی ما گشودند و ما را با تفنگچه و ماشیندار
خفیف و مرمی مسلح ساختند . بخاطر تاءمین امنیت
داخلی يك تعداد از پولیس ها تیرا که غیر عادی و مشکوک
بنظر میخوردند تریکی از اطاق های ما موریت محبوس
کردیم ولی يك تعداد از برادران پولیس بسیار صمیمانه
با ما همکاری نمودند ، یکی از آن ها زخمی شد عملیات

را که ساعت ده روز شروع کرده بودیم ادامه دادیم .
 دوعراده تانک از مقابل ما موریت با بیرق های سفید
 صلح و مبعستگی گذاشتند و این برای ما قوت قلبی بود .
 چند لحظه نگذشته بود که شش تانک دیگر آمدند و —
 ما موریت را در محاصره کشیدند و متعاقب آنها یک
 هلیکوپتر توپدار رسید که در هوا بر فراز ما موریت قرار
 گرفت . آتش بسته جمعی تانک ها ، هلیکوپترها و عساکر
 زمینی بالای ما موریت شروع شد . ما به مقاومت
 پرداختیم و با قدرت ایمان بخدای یگانه دو ساعت ونیم
 در مقابل قوای دولتی مبارزه کردیم . اللّٰه اکبر و
 حسبنا اللّٰه نعم الوکیل نعم المولی ونعم النصیر ورد
 زبان و قلب ما بود و در آن لحظات بود که مرگ در راه
 خدا (ج) را با آغوش باز و لب پر خنده قبول داشتیم . آری
 در همین وقت بود که مرگ در راه ایمان ذلیل شده بود و
 هدف برتر از همه چیز جلوه میکرد . یلان وسیع و مکمل
 تطبیق شده نتوانست و دوام عملیه سودی به بار نمیآورد .
 من در طبقه سوم موظف بودم هلیکوپتر بمبایی
 انداخته و چهل پنجاه سانتی متر جلوبام از سقف

تا کف اتاق همه لمبید و لید رجالیکه بملطف خدا به
ما آسیبی نرسید، نه تن از برادران کشته
و وظیفه محافظت دروازه و ورودی را بعهده داشتند شهید
شدند. روح شان شاد و یاد شان گرامی باد.

براین حالت مجبور بودیم تصمیم بگیریم که آیا
مقاومت را ادامه دهیم یا تسلیم شویم.

در صورت مقاومت اثری از هیچ يك از ما نمی ماند و همه
دسته جمعی از بین میرفتیم. در صورت تسلیم شدن
دو امکان موجود بود:

۱- امکان داشت ما را بعد از شکنجه های زیاد از بند
بند جدا کنند.

۲- امکان داشت بیاری خدا روزی آزاد شده یا فرار کرده
و در صف مجاهدین بپیوندیم. تصمیم برین شد که خون را
تسلیم کنیم. زیرا درین صورت یکی از امکانات آن بود
که باز در جهاد فی سبیل الله اشتراک کنیم، اگر
چه امکان از بند بند جدا شدن زیاد تر موجود بود.

حالت عجیبی بود و احساس عجیبی. یکی از برادران خدا

کرد:

برادران بولیس که گزیری جز تسلیم نداشتند -
پیش قدم شدند . درین لحظه کوتاه اما پرثمر به این
فکر افتادیم که دروازه عقبی ماموریت را که خانه
های گاه گلی متصل بود ، و به کوچه مندوی منتهی میشد
بشکنیم . این قدرت ایمان بود که ما را هنوز هم توان
عمل میداد . دروازه را بدون مشکلات شکستیم و از بین فیر
های مسلسل قوای دولتی که در کوچه های عقبی سنگر
گرفته بودند بسلامتی و خیریت گذشتیم . از هم کاری
و همبستگی مردم مؤمن و با اعتماد چند اول همواره -
برخوردار بودیم . ما را در بی -
خانه های خود و در کارخانه های خود پناه دادند
و همه خطرات را بجان خریدند . سربام ها را قوای دولتی
گرفته بود آنها در جستجوی ما بودند . ما بعد از وقفه -
های زیاد (تقریباً دو ساعت) با احتیاط بسیار بدری
رسیدیم که به کوچه مندوی باز میشد . درب را که آخرین
امکان بود باز کردیم و دربین کتله مردم از انظار

کوردلان ناپدید شدیم و آمدن ما مورد توجه کسی قرار نگرفت .

بالاخره همه ما را بادیگر مردم دريك سرای تجارتی داخل کردند و در راقفل کردند . بعد از مدت نیم ساعت که فرصت برای مرتب ساختن لباس و شستن روی مساعد شده ما را پس از تلاشی رها کردند . در اثر این قیام که اولین عملیه نظامی در کابل بود ، هزارها نفر از مردم مومن ما را بدون تحقیق و بدون دلیل به شهادت رساندند که روح شان شاد و یاد شان گرامی باد . این جنایت این از خدا بیخبران در دنیا و آخرت بی جواب نمی ماند .



B
4.3832

CCA

2141

خوانندگان گرامی !

به منظور خدمت در نشر ثقافت ، معارف و علوم اسلامی
شورای ثقافتی جهاد افغانستان در سبده سال ۱۳۶۲
در اسلام آباد تاسیس شد و برای تحقق یافتن این آرمان
عالی بسیاری خداوند متعال و بهمکاری هم میهنان عزیز در
ساحات ذیل فعالیت مینماید :

تهیه کتب درسی و راهنمای معلم این کتب .

تهیه کتب مدد درسی بنام دانستنیها .

توضیح مطالبی از تارنخچه جهاد بنام رویدادها .

Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library